

ماجرای ۲ برادر نوجوان که از فضای مدرسه به میدان خبرنگاری پا گذاشتند

روایتگران نوپای محله چهنو



سحر نیکو عقیده | خبرنگاری برای بعضی ها صرفاً یک شغل و منبع درآمد است، اما برای بعضی دیگر رؤیایی است که از کودکی در جانشان ریشه می دواند. رؤیای دردست گرفتن قلمی که تنها برای نوشتن نباشد و صدای مردم شود. درد آنان را روایت کند و حقیقت را بی واهمه به تصویر بکشد. علی ضیایی، نوجوان شانزده ساله محله چهنو، از سال های کودکی دل به همین رؤیا سپرد. حالشش سال است که در قامت خبرنگار خبرگزاری پانا فعالیت می کند. مسیری که با وجود این سن و سال کم، تجربه های ارزشمندی برایش رقم زده است. از ثبت ده ها خبر و قرار گرفتن در میان خبرنگاران فعال این خبرگزاری گرفته تا دیدار بارهبر شهید انقلاب و فعالیت در رسانه محلی محله چهنو. این علاقه به حسن، برادر کوچک ترش هم سرایت کرده و او رانیز هم قدم این مسیر کرده است. این دو برادر امروز در کنار هم، روایتگر اتفاقات و دغدغه های اطرافشان هستند.

یک خبرنگار وظیفه شناس

اولین مصاحبه ای که انجام داده، هنوز هم برایش فراموش نشدنی است. برای غلبه بر استرس، ابتدا با مدیر و معلمان مدرسه گفت و گو می کند و همین تجربه های ساده، اعتماد به نفس لازم را برای حضور در مصاحبه های رسمی به او می دهد.

یکی از گفت و گوهای مهم سال نخست فعالیتش، حضور در نشست در اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد با حضور مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی و معاون وزیر کشور بود؛ تجربه ای که برای یک خبرنگار نوجوان، مسئولیتی بزرگ به شمار می رفت. پس از آن هم بارها در مراسم و مناسبت های مختلف، از راهپیمایی ۲۲ بهمن گرفته تا آیین های مذهبی، میان مردم حاضر شده و روایتگر حال و هوای این رویدادها بوده است.

بالین حال، خودش مهم ترین گزارش دوران فعالیتش را به روز حادثه در حرم رضوی در فروردین ۱۴۰۱ مربوط می داند؛ «آن روز به همراه پدرم در حرم مطهر حضور داشتیم و برای زیارت رفته بودیم. بدون آنکه ما موریتی از قبل برایم تعریف شده باشد یا حتی تجهیزات کامل خبرنگاری را همراه داشته باشیم، تصمیم گرفتم با مردم گفت و گو کنم و از حال و هوای آن روز گزارش گرفتم.»

خبر تهیه شده در کوتاه ترین زمان روی خروجی خبرنگاری قرار گرفت و همین سرعت عمل، تحسین مسئولان خبرنگاری را به دنبال داشت.

دیدار بارهبر شهید انقلاب

در میان همه تجربه های خبرنگاری، شیرین ترین خاطره علی به سال ۱۴۰۳ برمی گردد؛ زمانی که به عنوان یکی از خبرنگاران فعال مشهد، همراه چهارده نفر دیگر راهی تهران شد تا در دیدار بارهبر شهید انقلاب

دکلمه خوانی در مراسم شهید قاسم سلیمانی

علاقه علی به نوشتن، خیلی قبل تر از خبرنگاری شکل گرفته بود. نخستین تجربه هایش با قلم، نوشتن دکلمه ها و دل نوشته هایی بود که در مراسم صبحگاه مدرسه برای هم کلاسی ها و معلمان می خواند؛ نوشته هایی که همیشه با تشویق همراه می شد و او را بیش از پیش به ادامه این مسیر دلگرم می کرد.

یکی از خاطرات پررنگ آن روزها به مراسم تشییع و بزرگداشت شهید قاسم سلیمانی برمی گردد. در میان جمعیت حاضر در مسیر راهپیمایی در فلکه آب، از او دعوت شد روی سن برود و دکلمه ای را که خودش نوشته بود، برای مردم بخواند. با وجود سن کم، بدون آنکه اضطراب بر او غلبه کند، مقابل جمعیتی انبوه ایستاد و با صدایی رسا نوشته اش را خواند؛ اجرایی که به گفته خودش با استقبال و تأثیر زیادی همراه شد. همین علاقه و فعالیت ها، سال ۱۴۰۰ مسیر تازه ای را پیش روی او قرار داد. علی نمونه ای از دکلمه ها و فعالیت هایش را برای خبرنگاری پانا، رسانه ویژه دانش آموزان، ارسال کرد و پس از جلب نظر مسئولان، همکاری اش با این مجموعه آغاز شد؛ «آن زمان کلاس ششم دبستان بودم و از همه خبرنگارها سن کم تر بود. تا جایی که اولین خبرنگار دبستانی پانا در استان شناخته شدم. اعتماد به نفس خوبی داشتم و می دانستم که از پیشش برمی آیم.»

پس از پذیرش، در دوره های آموزشی خبرنگاری، شیوه تهیه گزارش، مصاحبه و کار با دوربین در این خبرنگاری شرکت واز همان زمان، فعالیت حرفه ای خود را به عنوان خبرنگار آغاز کرد.

دو برادر و یک مسیر

علاقه علی به خبرنگاری، کم کم به برادر کوچک ترش هم سرایت کرد. حسن که متولد سال ۱۳۹۳ است، از همان سال های ابتدایی فعالیت برادرش، همیشه در گوشه و کنار برنامه ها همراه او بود. ابتدا پشت دوربین می ایستاد، فیلم می گرفت و عکس ثبت می کرد؛ کاری که به گفته خودش از همان ابتدا بیشتر از هر بخش دیگری دوست داشت. همین همراهی ها، اما مسیر تازه ای برای او ساخت. حسن سال گذشته

حضور پیدا کند. او می گوید: از همه استان های کشور خبرنگاران برتر آمده بودند. جمعیت خیلی زیاد بود و فرصت صحبت رودررو پیش نیامد، اما همان دیدار کوتاه هم برایم یکی از بهترین برکت ها و ارزشمندترین دستاوردهای خبرنگاری بود.

وقتی از او می پرسیم چه عاملی باعث شد در میان خبرنگاران برتر قرار بگیرد، بدون مکث از دو ویژگی نام می برد: تولید مستمر خبر و سرعت عمل. می گوید هر جاسوژه ای وجود داشته، خودش را به محل رسانده و هیچ وقت ساعت و سختی کار برایش مهم نبوده، چون این مسیر را از روی علاقه دنبال کرده است.

البته فعالیت رسانه ای او تنها به خبرنگاری پانا محدود نمی شود. علی چند سالی است که اخبار و رویدادهای محله چهنو را هم در کانال محلی در پیام رسان ایتاپوشش می دهد. بخش مهمی از این فعالیت ها به انعکاس برنامه های مسجد رضوی، مراسم مذهبی، مناسبت های فرهنگی و اجتماعی محله اختصاص دارد؛ جایی که او بابت تصاویر، تهیه خبر و روایت اتفاقات تلاش می کند و رویدادهای محله را به دست مخاطبان برساند و نقش رسانه را در مقیاسی محلی هم ایفا کند.



حالا این دو برادر، هر کدام در کنار درس و زندگی روزمره، بخشی از وقتشان را صرف ثبت و روایت اتفاقات می کنند. یکی با تجربه بیشتر و دیگری با شور و اشتیاق کودکانه، اما هر دو با یک هدف مشترک. شاید امروز علی و حسن هنوز در آغاز راه خبرنگاری باشند، اما مسیری که انتخاب کرده اند، از همان سال های کودکی بر پایه علاقه، پشتکار و مسئولیت پذیری شکل گرفته است. آن ها امیدوارند در سال های آینده با کسب تجربه و دانش بیشتر، در جایگاه های حرفه ای تری فعالیت کنند و بتوانند بیش از گذشته صدای مردم باشند.

مثل برادرش به خبرنگاری پانا پیوست و حالا علاوه بر تصویربرداری، خودش هم گزارش تهیه می کند و مصاحبه می گیرد. او می گوید: دوست دارم با آدم ها صحبت کنم و نظرشان را درباره موضوعات مختلف بپرسم. خلاقیت هم از ویژگی هایی است که در کار حسن به چشم می آید. او یک بار با استفاده از مقوا، برای میکروفن خبرنگاری پانا یک قاب چهارگوش ساخت و نام خبرنگاری را روی آن نوشت تا ظاهر میکروفن حرفه ای تر شود. ایده ای ساده اما کاربردی که بعد از آن، دیگر خبرنگاران این خبرنگاری هم از آن استفاده کردند.